

Predicting the Relationship between Student's Parent's Motivation And Their Participation in Their Children's Education based on the Hoover-Demsey and Sandler Model

Mhammad Hassani^{1*}, Masoumeh Shadvand², Hassan Roshni Ali Bene see³

1. Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran

2. Master's degree in Curriculum Planning, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

3. Ph.D. in Higher Education Management, Urmia University, Urmia, Iran

(Received: January 27, 2021; Accepted: February 12, 2023)

Abstract

In the present research, the relationship between parents' motivation and their participation in children's education was predicted. The statistical population of the study is the parents of 306 public high school girls in the city of Urmia. The statistical sample size was calculated according to Cochran's formula of 170 people. The instrument used in the study was a completed version of the ECLS-K questionnaire developed in 2005 by Hoover-Demsey and Sandler et al. The validity of the instrument was confirmed by experts and researchers in this field. The reliability of the instrument was calculated by Cronbach's alpha method ($\alpha = 0.78$), which is acceptable. Multiple regression analysis was used to analyze the results of the research questionnaire. The results showed that among the motivational components of parents such as motivational beliefs (self-efficacy and role construction), parents' perception of invitation Received letters (school invitation, teacher invitation and invitation (request for help) students) and perception of the field of life (skills-knowledge and energy-time) inviting and requesting the strongest students It is variable in predicting and explaining parental involvement. Therefore, it seems that the use of invitations for students, which is one of the most important predictors of parental involvement, should be considered more by planners.

Keywords: Motivation, Parental involvement in education, Parents' perceptions.

* Corresponding Author, Email: mhs_105@yahoo.com

پیش‌بینی رابطه نوع انگیزش والدین دانش‌آموزان با مشارکت آن‌ها در آموزش فرزندان بر اساس مدل هور - دمسی و ساندلر

محمد حسنی^{۱*}، معصومه شادوند^۲، حسن روشنی علی بنه سی^۳

۱. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران
۳. دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳)

چکیده

در تحقیق حاضر، رابطه نوع انگیزش والدین با مشارکت آن‌ها در آموزش فرزندان پیش‌بینی شد. جامعه آماری تحقیق، والدین دانش‌آموزان مدرسه نمونه دولتی دخترانه دوره متوسطه دوم در ارومیه بوده که به تعداد ۳۰۶ نفر است. حجم نمونه آماری طبق فرمول کوکران ۱۷۰ نفر محاسبه شد. ابزار مورد استفاده در تحقیق، نسخه تکمیل شده پرسشنامه ECLS-K بود که در سال ۲۰۰۵ توسط هور - دمسی و ساندلر و همکاران توسعه یافته است. روایی ابزار توسط صاحب‌نظران و محققان این حوزه تأیید شد. پایایی ابزار نیز به روش آلفای کرونباخ (۰/۷۸ = α) محاسبه شد که در حد قابل قبول بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد از بین مؤلفه‌های انگیزشی والدین همچون باورهای انگیزشی (خودکارآمدی و ساخت و ساز نقش) ادراک والدین از دعوت‌نامه‌های دریافتی (دعوت‌نامه مدرسه، دعوت‌نامه معلم و دعوت‌نامه درخواستی) دانش‌آموزان و ادراک درباره زمینه زندگی (مهارت - دانش و انرژی - وقت) عامل دعوت و درخواست دانش‌آموزان قوی‌ترین متغیر در پیش‌بینی و تبیین مشارکت والدین است. بنابراین، به نظر می‌رسد استفاده از دعوت‌نامه مختص دانش‌آموزان که از مهم‌ترین پیش‌بین‌های مشارکت والدین است باید بیش از پیش مد نظر برنامه‌ریزان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ادراک والدین، باورهای انگیزشی، مشارکت والدین در آموزش.

مقدمه

نظام‌های آموزش رسمی در سراسر دنیا در صد‌دهند تا بیشتر امکان تداوم نقش تربیتی خانواده را در نظام آموزش رسمی و عمومی فراهم کنند (مظاهری، موسی‌پور و ناطقی، ۱۳۹۶). زیرا مشارکت والدین سبب می‌شود خانواده در امور مدرسه درگیر شود و مدرسه نیز خانواده را همراه و همیار خود ببیند (جاسپن^۱، ۲۰۱۲). صاحب‌نظران معتقدند تعامل والدین، مدیران مدرسه و معلمان عاملی مؤثر در اجرای استراتژی‌های مدرسه است. والدین در تصمیم‌گیری، یادگیری و فعالیت‌های فرزندان خود در آموزشگاه تأثیر مثبت دارند (واحدی، ۲۰۱۰). اما به اعتقاد دسلاندس، بارما و مورین^۲ (۲۰۱۵) روابط همکارانه بین مدرسه و خانواده گاهی تنش و سوءتفاهم ایجاد می‌کند که عمده این مسائل مربوط به عامل اعتماد در مقابل کنترل هنگام انتخاب ابزار ارتباطی و مسائل مربوط به سلسله‌مراتب قدرت در داخل و خارج از مدرسه است که باید در توزیع مجدد وظایف در میان اعضای جامعه مدرسه به آن پرداخته شود.

والدین نزدیک‌ترین گروه به دانش‌آموزان هستند و از تجارب مثبت و منفی فرزندان خود بیش از همه آگاهی دارند و اصلی‌ترین و شایسته‌ترین گروهی هستند که باید در امور مدرسه مشارکت داشته باشند (بلاغت، نقیب‌زاده و قانیدی، ۱۳۹۴). انتظارات و چشم‌اندازهای والدین درباره فرزندان و دانش‌آموزان موجبات انگیزه آن‌ها را فراهم کرده و آن‌ها را به همکاری با مدارس وامی‌دارد تا جهت ارتقای نتایج آموزش و یادگیری فرزندان مشارکت داشته باشند (جاسپن، ۲۰۱۲).

وسترگارد^۳ (۲۰۱۵) بیان می‌دارد که مدارس و معلمان علی‌رغم اینکه همکاری والدین در امور آموزشی را درک می‌کنند، به نظر می‌رسد که توانایی تبدیل این دانش نظری به عمل را ندارند. زیرا تحقیقات نشان داده است برداشت و ادراک والدین و کادر مدرسه در خصوص این ساختار و عناصر آن در حد بسیار کمی با هم انطباق دارند. بسیاری از معلمان، مشارکت والدین را حضور آن‌ها در

1. Jaspen
2. Deslandes, Barma & Morin
3. Westergård

مدرسه تعریف می‌کنند (لاوسون^۱، ۲۰۰۳). در حالی که بسیاری از والدین، مشارکت والدین را بسیار گسترده‌تر و شامل رسیدگی آن‌ها به امور آموزشی فرزندان در پشت صحنه (خانه) و در قالب تشویق و حمایت‌های معنوی (آئوورباخ^۲، ۲۰۰۷) تلقی می‌کنند. طبق دستورالعمل برنامه «هیج کودکی از تحصیل نماند^۳» ایالات متحده، مشارکت والدین اینگونه تعریف می‌شود: مشارکت منظم و دوجانبه والدین و مدارس و ارتباط معنادار آن‌ها که یادگیری‌های آکادمیک و سایر فعالیت‌های دانش‌آموز را در بر می‌گیرد (مرکز آمار آموزش و پرورش^۴، ۲۰۰۴). تعریف دیگر مشارکت والدین عبارت است از ایفای نقش توسط والدین در طی تغییر و تحولاتی که در کودک به صورت مرحله به مرحله از ابتدای تحصیلات مدرسه تا پایان آن رخ می‌دهد (پاتال، کوپر و رابینسون^۵، ۲۰۰۸).

عوامل مؤثر بر مشارکت والدین را می‌توان در مفاهیم مرتبط با جامعه، محیط مدرسه و فرد جست. با توجه به ضرورت تعامل بین دو نهاد خانواده و مدرسه، معمولاً نوعی ناهماهنگی و ناسازگاری بین دیدگاه‌های والدین و عوامل مدرسه وجود دارد که این مسأله ریشه در نقش‌ها و مسئولیت‌های مختلف آنان دارد (شیربیگی، عزیزی و امیری، ۱۳۹۴). در کشورهای توسعه‌یافته همکاری میان خانه و مدرسه به صورتی منسجم درآمده و این دو نهاد مسئولیت مشترک خویش یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، همکاری و هماهنگی انجام می‌دهند (گوهری، جمشیدی و بیدختی، ۱۳۹۴). در جامعه ایران، مشارکت والدین در مدرسه در مقاطع بالاتر علیرغم حساسیت سنی و تحصیلی فرزندان که ارتباطی تنگاتنگ و تبادل اطلاعات را بین خانواده و آموزشگاه می‌طلبد، به شدت کاهش می‌یابد (هاشمیان‌فر و اکبرزاده، ۱۳۹۳). بنابراین، به دلیل وجود مسأله در فرایند ارتباط بین خانواده و مدارس در ایران به پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

در ایران سهم مشارکت والدین در برنامه‌های آموزشی مدارس پایین است. در حالی که این مشارکت فرصتی عالی برای نظام آموزشی و در واقع، نوعی ضمانت اجرایی برای برنامه‌های آموزشی

-
1. Lawson
 2. Auerbach
 3. No Child Left Behind Act
 4. National Center for Education Statistics
 5. Patall, Cooper & Robinson

محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع پژوهش و نبود تحقیق در قلمرو پژوهش حاضر، پژوهشگران در این تحقیق به دنبال بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت والدین دانش‌آموزان و رابطه نوع انگیزش والدین با مشارکت آن‌ها در امور آموزشی دانش‌آموزان بر اساس مدل هور-دمسی و ساندلر است. بنابراین، مسأله پژوهش را می‌توان چنین بیان کرد که آیا نوع انگیزش (باورهای انگیزشی، ادراک از دعوت‌نامه و زمینه زندگی) والدین دانش‌آموزان، مشارکت آن‌ها در آموزش فرزندان را پیش‌بینی می‌کند؟

پیشینه نظری و پژوهشی

مشارکت والدین یک عامل اساسی و اثرگذار در پیشرفت تحصیلی و آموزش فرزندان است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. هور-دمسی و ساندلر^۱ (۲۰۰۵) از جمله اندیشمندانی هستند که به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت والدین در آموزش فرزندان پرداخته‌اند. مدل هور-دمسی و ساندلر (۲۰۰۵) رابطه بین متغیر وابسته یعنی مشارکت والدین و هفت عامل که در سه مقوله باورهای انگیزشی، ادراک درباره دعوت‌نامه و ادراک درباره زمینه زندگی قرار دارند، پیش‌بینی می‌کند.

در اولین مقوله یعنی باورهای انگیزشی والدین، دو عامل (متغیر) وجود دارد یعنی ساخت و ساز نقش والدین، که عبارت است از آنچه که والدین فکر می‌کنند که باید انجام دهند و به طور دقیق‌تر والدین، نقش خود را درباره آموزش فرزندان، چگونه می‌بینند و چگونه درک می‌کنند و چه برداشتی از اشتراک‌گذاری مسئولیت‌های خود با مدارس دارند (جاسپین، ۲۰۱۲). ساخت و ساز نقش والدین (والدگری) یکی از باورهای انگیزشی اولیه است که به نظر هور-دمسی و ساندلر (۲۰۰۵) بر مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزندان و به طور کلی در تمام شئون زندگی آن‌ها تأثیرگذار است. دومین عامل باورهای انگیزشی حاکی از به‌کارگیری نظریه خودکارآمدی در مشارکت والدین در امور آموزشی فرزندان است. مشارکت والدین تا حد زیادی تحت تأثیر ارزیابی آن‌ها از توانایی‌های خود و دستاوردهایی است که انتظار می‌رود از مشارکت حاصل شود (هور-دمسی و ساندلر، ۱۹۹۷).

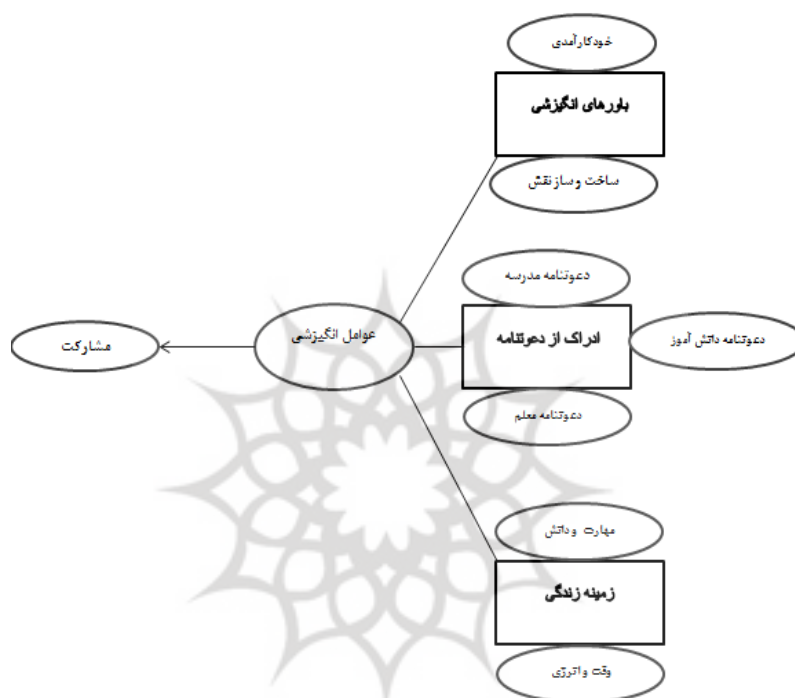
به عبارت بهتر والدینی که عقیده دارند مشارکت آن‌ها در امور آموزشی سبب ایجاد تغییرات مهمی در کودکان می‌شود در مقایسه با والدینی که چنین نظری ندارند، بیشتر امکان دارد مشارکت‌های مختلف را بپذیرند. علاوه بر این داشتن خودکارآمدی مثبت سبب می‌شود که والدین نقش مشارکتی فعال‌تری را قبول کنند (هور- دمسی و ساندلر، ۲۰۰۵).

مقوله دوم ادراک والدین از دعوت برای مشارکت^۱ است که شامل دعوت خصوصی دانش‌آموز^۲، دعوت خصوصی معلم^۳ یا دعوت عمومی مدرسه^۴ است. یکی دیگر از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم در خصوص تصمیم‌گیری والدین برای مشارکت در امور آموزشی فرزندان و نوع مشارکت آنها می‌تواند ادراک و برداشت آن‌ها از دعوت برای مشارکت از سوی دیگران باشد. منظور از دعوت، درخواست مشارکت در امور درسی دانش‌آموزان و منظور از ادراک نیز بدان معناست که از دیدگاه والدین مشارکت آن‌ها از سوی دانش‌آموز، معلم و مدرسه تا چه اندازه مهم انگاشته شده و ارزشمند شمرده می‌شود (هور- دمسی و ساندلر، ۱۹۹۷).

سومین مقوله با محوریت زمینه زندگی است که خود شامل دو عامل (متغیر) است که به نقل از گتینگر و واترس^۵ (۱۹۹۸) عبارت‌اند از ادراک و برداشت والدین از زمان-انرژی و ادراک از مهارت‌ها و دانش. اغلب والدین چنین اظهار می‌کنند که محدودیت‌های مربوط به متغیرهای زمان و انرژی که غالباً از برنامه‌های کاری سخت و انعطاف‌پذیرشان نشأت می‌گیرد از موانع مشارکت آن‌ها در امور آموزشی فرزندانشان است (واکر و همکاران، ۲۰۰۵). به اعتقاد لاروف^۶ (۱۹۸۹) مهارت‌ها و دانش والدین نیز معمولاً بر سطح و نوع مشارکت والدین تأثیر می‌گذارد. یعنی والدینی که سطح تحصیلات کمتری دارند در مقایسه با والدینی که سطح تحصیلاتشان بالاتر است توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را برا کمک به فرزندانشان و نیز ارتباط با معلم کمتر ارزیابی کرده و احساس تعلق کمتری نسبت به

1. Parents' Perceptions of Invitations to Involvement
2. Specific student Invitation
3. Specific Teacher Invitation
4. General School Invitation
5. Gettinger & Waters
7. Lareau

مدرسه دارند. از سوی دیگر معلمان نیز زمانی که از والدین برای شرکت در امور آموزشی دانش‌آموزان دعوت می‌کنند، انتظار دارند که والدین مهارت‌های لازم مثل خواندن و ریاضیات و نیز توانایی درک خواسته‌های معلمان را داشته باشند (جیمرسون، اگلند و اسروف^۱، ۲۰۰۰).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

آنچه در نتیجه تحقیق درستکار، صابری و باقری (۲۰۰۶) آمده است، حکایت از این دارد که متغیرهای پایگاه اقتصادی والدین، اعتماد به فرزند و داشتن تصویر اجتماعی مناسب جهت مشارکت، خودکارآمدی، تجربیات گذشته والدین بر انگیزه آن‌ها جهت مشارکت در امور مدرسه و آموزش فرزندان تأثیر دارد. همچنین، درخواست دانش‌آموزان برای کمک در درس‌هایی سخت و چالش‌انگیز (واکر و جونز^۲، ۲۰۰۰)، باور والدین نسبت به آموزش و دسترسی به شبکه‌های ارتباطی، تأثیر عملکرد

1. Jimerson, Egeland & Sroufe
2. Walker & Jones

انجمن به لحاظ شیوه نظرخواهی، نحوه اداره جلسات، اطلاع از زمان برگزاری جلسات، جو حاکم بر جلسات، باور به توانایی‌های فردی، شرکت در انجمن‌های مدرسه (زنجانی‌زاده، دانایی و سلیمی‌نژاد، ۱۳۹۰) بر مشارکت والدین در امور مدرسه تأثیرگذار است.

ادراک مثبت والدین در خصوص وقت-انرژی خود (ون ورهیس^۱، ۲۰۰۳)، افزایش قابل ملاحظه زمان تعامل بین فرزندان و والدین (بیلی^۲، ۲۰۰۶)، نگرش والدین و اعتماد به فعالیت انجمن، درخواست فرزندان برای مشارکت والدین، فعال‌سازی کمیته‌های تخصصی، انجمن‌های اولیاء و مربیان، نشست‌های ماهانه‌ی اولیاء (شلدون^۳، ۲۰۰۲)، خودکارآمدی (بندورا^۴ و همکاران، ۱۹۹۶)، برگزاری کلاس‌های آموزشی کوتاه مدت برای والدین، فرهنگ‌سازی و ایجاد نگرش مثبت در والدین، ایجاد شبکه‌های ارتباطی مانند سایت انجمن، سایت مدرسه و سطح تحصیلات والدین (عظیمی هاشمی و رضامنش، ۱۳۹۳)، خودکارآمدی (لینچ^۵، ۲۰۰۲) نیز از جمله عواملی است که بر انگیزه والدین جهت مشارکتشان در امور مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. نتایج پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد جنسیت والدین، تعداد اعضای خانواده، تعداد جلسات توجیهی مدارس و احساس مثبت والدین نسبت به مشارکت در امور مدرسه (بلاغت، نقیب‌زاده و قائدی، ۱۳۸۹)، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و نگرش مثبت نسبت به تعامل با مدرسه (ونگ و هاگز^۶، ۲۰۰۶) با میزان مشارکت والدین در امور آموزشی فرزندان رابطه مستقیم دارند.

ریپاراز و سوتز-الزالد^۷ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای تطبیقی با عنوان مشارکت والدین در مدارس آلمان و اسپانیا بر پایه‌ی داده‌های برنامه‌ای جهت ارزیابی دانشجویان بین‌المللی^۸ (۲۰۱۵)، دو شاخص تلاش‌های مدرسه برای درگیر ساختن والدین و مشارکت والدین در فعالیت‌های مرتبط با مدرسه را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیدند که در هر دو شاخص یادشده اسپانیا نسبت به آلمان از

-
1. Van Voorhis
 2. Bailey
 3. Sheldon
 4. Bandura, Barbaranelli, Caprara, & Pastorelli
 5. Lynch
 6. Wong & Hughes
 7. Reparaz & Elizalde
 8. Programme for International Student Assessment

وضعیت مطلوبی برخوردار است. در نهایت، سببانی نژاد و یوزباشی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که سطح فرهنگ خانواده، سطح تعامل خانواده، مشکلات خانوادگی و عدم رعایت علایق دانش‌آموزان بر عدم مشارکت اولیاء در امور مدارس در حد بالاتر از متوسط تأثیر دارد. با توجه پیشینه تحقیق که در بخش فوق گردید، پژوهش حاضر از لحاظ چارچوب پژوهش از انسجام مؤثرتری برخوردار است زیرا مدل هور-دمسی و ساندلر مدلی جامع و دربرگیرنده مؤلفه‌های مؤثر در مشارکت والدین در امور آموزشی است. همچنین با توجه به قلمرو پژوهش وجود خلاء پژوهش موجب انجام پژوهش حاضر شد که امید است مسئولان و مدیران مربوطه از نتایج پژوهش حاضر برای بهبود وضعیت مشارکت والدین در امور آموزش فرزندان استفاده کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است. در تحقیق حاضر، رابطه نوع انگیزش والدین به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر مشارکت آن‌ها در آموزش فرزندان بر اساس مدل هور-ساندلر پیش‌بینی شد. جامعه آماری تحقیق، والدین دانش‌آموزان مدرسه نمونه دولتی دخترانه دوره متوسطه دوم در شهر ارومیه در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ است، که به تعداد ۳۰۶ نفر است. حجم نمونه آماری طبق فرمول کوکران ۱۷۰ نفر محاسبه شد.

ابزار مورد استفاده نسخه تکمیل شده پرسشنامه (ECLS-K) است که در سال ۹۹-۱۹۹۸ با حمایت وزارت آموزش ملی آمریکا و توسط مرکز ملی آمار وزارت آموزش ایالات متحده طراحی شده است. این پرسشنامه با هدف بررسی تأثیر محیط خانوادگی و مدرسه‌ای دانش‌آموزان بر پیشرفت تحصیلی، رشد شناختی، عاطفی-روانی و اجتماعی دانش‌آموزان در طول یک بازه زمانی هشت‌ساله (از پیش دبستان تا پایان دوره شش‌ساله ابتدایی) طراحی شده است. این ابزار در سال ۲۰۰۵ توسط هور-دمسی و ساندلر و همکاران توسعه یافته و قابلیت استفاده در دانش‌آموزان همه دوره‌های تحصیلی را پیدا کرد.

در تحقیق حاضر نیز از این پرسشنامه برای بررسی موضوع تحقیق و به منظور تجزیه و تحلیل

اطلاعات مربوط به روابط بین متغیرها و بررسی فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه برای سنجش ۷ سازه (متغیر) از ۴۶ گویه در مقیاس شش درجه‌ای طیف لیکرت استفاده کرده است. برای تعیین روایی ابزار، پرسشنامه به همراه فرضیات و سؤالات تحقیق در اختیار تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران خبره در زمینه موضوع تحقیق گذاشته شد و سؤالات تحقیق و روایی آن‌ها تأیید شد. برای تعیین پایایی ابزار، یک هفته قبل از اجرای تحقیق، پرسشنامه به صورت انتخاب در دسترس در اختیار ۳۰ نفر از والدین قرار گرفت و پایایی آن به وسیله ضریب آلفای کرونباخ و با استفاده از نرم‌افزار SPSS ($\alpha = 0.78$) اندازه‌گیری شد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه است.

برای اجرای پرسشنامه پس از اخذ مجوز از آموزش و پرورش و نیز محاسبه تعداد نفرات لازم برای تکمیل پرسشنامه و تکثیر آن به تعداد مورد نیاز ضمن هماهنگی با مدیر آموزشگاه، در زمان اعلام نتایج امتحانات خردادماه (اوایل تیرماه) در آموزشگاه حضور یافته و در اختیار والدین مراجعه‌کننده قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد به سؤالات آن پاسخ دهند. با توجه به جنسیت دانش‌آموز دختر و اینکه اکثر مراجعه‌کنندگان به مدرسه مادران بودند، تعداد خانم‌های شرکت‌کننده در تحقیق بیش‌تر از آقایان بود به طوری که ۱۲۶ نفر از پرسش‌شوندگان؛ زن و ۴۴ نفر مرد بودند. به منظور بررسی نحوه توزیع داده‌ها و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک با استفاده از نرم‌افزار (SPSS)، نرمال بودن توزیع داده‌ها بررسی شد. پس از تشخیص نرمال بودن توزیع داده‌ها و به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا بررسی اولیه داده‌ها با استفاده از رسم نمودار و ماتریس همبستگی بین متغیرها صورت گرفت، سپس ضمن حذف داده‌های پرت، به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق با استفاده از نرم‌افزار یادشده از آنالیز رگرسیون چندگانه از روش گام به گام استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه یک: باورهای انگیزشی والدین با مشارکت والدین رابطه دارد.

برای آزمون فرضیه از تجزیه تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. بدین منظور نمره مشارکت

والدین به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای خودکارآمدی و ساخت- و ساز نقش به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. برای ورود متغیرها به مدل از روش گام به گام رو به جلو استفاده شده است. برای دستیابی به بهترین مدل برازش یافته با داده‌ها از دو مدل استفاده شد. در مدل اول بر اساس میزان همبستگی‌های متغیرهای مستقل و متغیر وابسته که متغیر خودکارآمدی به مدل وارد شد سپس متغیر ساخت و ساز نقش به مدل اضافه شد. بنابراین، مدل رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی با دو متغیر تکمیل شد و تشکیل مدل رگرسیون دو متغیری را داد.

جدول ۱. مشارکت اولیاء بر اساس خودکارآمدی و ساخت و ساز نقش

مدل	شاخص‌های آماری			ضرب همبستگی چندگانه	ضرب تبیین	ضرب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد
	مدل ۱	مدل ۲	مقادیر				
	۰٫۳۳۸	۰٫۱۱	۰٫۱۰	۰٫۳۳۸	۰٫۱۱	۰٫۱۰	۱٫۳۱
	۰٫۳۶۸	۰٫۱۳	۰٫۱۲	۰٫۳۶۸	۰٫۱۳	۰٫۱۲	۱٫۲۹

جدول ۲. تحلیل واریانس باورهای انگیزشی والدین با مشارکت والدین

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار آزمون F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۵٫۵۵	۱	۳۵٫۵۵	۲۰٫۷۰	۰٫۰۰۸
باقیمانده	۲۸۶٫۸۷	۱۶۷	۱٫۷۱		
جمع	۳۲۲٫۳۳	۱۶۸			
رگرسیون	۴۲٫۵۶	۲	۲۱٫۲۹	۱۲٫۶۸	۰٫۰۰۸
باقیمانده	۲۷۹٫۷۳	۱۶۶	۱٫۶۸		
جمع	۳۲۲٫۳۳	۱۶۸			

جدول ۳. ضرایب بتای متغیرهای مستقل مؤثر بر مشارکت والدین

سطح معناداری	ضرایب استاندارد شده	T	ضرایب استاندارد شده		مدل
			بتا	اشتباه استاندارد شده	
۰٫۰۰۱	۰٫۵۰	۳٫۴۱	۱٫۷۳	۰٫۵۰	مقدار ثابت
۰٫۰۰۰۱	۰٫۱۱	۴٫۵۵	۰٫۴۹	۰٫۱۱	خودکارآمدی
۰٫۳۹	۰٫۷۳	۰٫۸۵	۰٫۶۶	۰٫۷۳	مقدار ثابت
۰٫۰۰۰۱	۰٫۱۱	۴٫۰۲	۰٫۴۴	۰٫۱۱	خودکارآمدی
۰٫۰۴	۰٫۱۵	۲٫۰۴		۰٫۱۵	ساخت نقش

بر اساس آزمون رگرسیون چندگانه (روش گام به گام) و مطابق با جدول‌های ۱، ۲ و ۳ در تبیین مشارکت والدین از روی مجموع متغیرهای پیش‌بین موجود در فرضیه، ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0,364$ ، $R^2=0,132$ و ضریب تبیین خالص برابر $0,122$ به دست آمده است. یعنی از روی متغیرهای پیش‌بین معنادار موجود در مدل می‌توان تا حدود $13,2$ درصد واریانس مشارکت والدین را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای پیش‌بین ملاحظه می‌شود که خودکارآمدی با $\beta=0,299$ متغیر نیرومند در پیش‌بینی و تبیین مشارکت والدین است. ارتباط متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیون خطی است $(P<0,001, F=12,637)$.

معادله پیش‌بینی مشارکت والدین از روی متغیرهای ذکر شده به شرح زیر است:

$$y = \{(\text{ساخت و ساز نقش}) + 0,306 + (\text{خودکارآمدی}) + 0,449 + 0,626\}$$

فرضیه دو: درک و برداشت والدین درباره دعوت‌نامه‌های دریافتی با مشارکت والدین رابطه دارد. برای آزمون فرضیه از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. بدین منظور نمره مشارکت والدین به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای (دعوت‌نامه عمومی مدرسه، دعوت‌نامه‌های مخصوص معلم و دعوت‌نامه‌های مخصوص از سوی خود دانش‌آموز) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. برای ورود متغیرها به مدل از روش گام به گام استفاده شده است. برای دستیابی به بهترین مدل برازش‌یافته با داده‌ها از یک مدل استفاده شد. در مدل بر اساس میزان همبستگی‌های متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، متغیر دعوت‌نامه دانش‌آموز به مدل وارد شد و متغیرهای دعوت‌نامه عمومی مدرسه و دعوت‌نامه‌های مخصوص معلم به دلیل عدم معنادار بودن از معادله رگرسیون حذف شدند. بنابراین، مدل رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی با یک متغیر تکمیل شد.

جدول ۴: مشارکت والدین بر اساس دعوت‌نامه دانش‌آموز (ضرایب رگرسیون برای تنها متغیر باقیمانده در آنالیز

رگرسیون گام به گام)

مدل	شاخص‌های آماری		
	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص
مقادیر	مدل ۱	۰,۱۷	۰,۱۷
			۱,۲۶

جدول ۵. تحلیل واریانس درک و برداشت والدین در مورد دعوت‌نامه‌های دریافتی با مشارکت والدین

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار آزمون F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۴,۵۷	۱	۵۴,۵۷	۳۳,۸۹	۰,۰۰۸
باقیمانده	۲۵۴,۴۳	۱۵۸	۱,۶۱		
جمع	۳۰۹,۰۰	۱۵۹			

جدول ۶. ضرایب بتای متغیر مستقل (دعوت‌نامه دانش‌آموز) مؤثر بر مشارکت والدین

سطح معناداری	ضرایب استاندارد شده	T	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			بتا	اشتباه استاندارد شده	
۰,۰۰۱		۷,۲۸	۲,۲۸	۰,۳۱۳	مقدار ثابت
۰,۰۰۰۱	۰,۴۲۰	۵,۸۲	۰,۵۲	۰,۰۸۹	۱ دعوت‌نامه (درخواست کمک) دانش‌آموزان

بر اساس آزمون رگرسیون چندگانه (روش گام به گام) و مطابق با جدول‌های ۴-۵، ۶، ۷ در تبیین مشارکت والدین از روی مجموع متغیرهای پیش‌بین موجود در فرضیه، ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0,42$ ، $R^2=0,17$ و ضریب تبیین خالص برابر $0,17$ به دست آمده است. یعنی از روی تنها متغیر پیش‌بین معنادار موجود در مدل می‌توان تا حدود $17,7$ درصد واریانس مشارکت والدین را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده متغیر پیش‌بین ملاحظه می‌شود که دعوت‌نامه کودک با $\beta = 0,42$ نیرومندترین متغیر در پیش‌بینی و تبیین مشارکت والدین است. ارتباط متغیر پیش‌بین با متغیر ملاک نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیون خطی است ($F=33,89$ با سطح معناداری $P<0,001$).

معادله پیش‌بینی مشارکت والدین از روی متغیر ذکر شده به شرح زیر است:

$$y = \{2,28 + 0,52(\text{دعوت‌نامه دانش‌آموز})\}$$

فرضیه سوم: باور و ادراک والدین در خصوص عوامل مربوط به مهارت-دانش و انرژی-وقت با مشارکت والدین رابطه دارد.

برای آزمون فرضیه از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. بدین منظور نمره مشارکت

والدین به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای (مهارت- دانش و انرژی- وقت) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. برای ورود متغیرها به مدل از روش گام به گام رو به جلو استفاده شده است. برای دستیابی به بهترین مدل برازش یافته با داده‌ها از یک مدل استفاده شد. در مدل بر اساس میزان همبستگی‌های متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، متغیر انرژی- وقت به مدل وارد شد و متغیر مهارت- دانش به دلیل معنادار نبودن از معادله رگرسیون حذف شدند. بنابراین، مدل رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی با یک متغیر تکمیل شد.

جدول ۷. تبیین مشارکت والدین بر اساس انرژی و وقت

(ضرایب رگرسیون برای تنها متغیر باقیمانده در آنالیز رگرسیون گام به گام)

مدل	شاخص‌های آماری		
	مقادیر	مدل ۱	مدل ۲
ضریب همبستگی چندگانه	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۲۸
ضریب تبیین	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۸
ضریب تبیین خالص	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷
اشتباه معیار برآورد	۱/۳۳	۱/۳۳	۱/۳۳

جدول ۸. تحلیل واریانس ادراک والدین در خصوص عوامل مربوط به مهارت- دانش و انرژی- وقت با مشارکت والدین

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار آزمون F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۵/۵۰	۱	۲۵/۵۰	۱۴/۲۸	۰/۰۰۰A
باقیمانده	۲۹۱/۱۱۹	۱۶۳	۱/۷۸		
جمع	۳۱۶/۶۲	۱۶۴			

جدول ۹. ضرایب بتای متغیر مستقل (انرژی- وقت) مؤثر بر مشارکت والدین

مدل	ضرایب استاندارد نشده		T	ضرایب استاندارد شده	
	اشتباه استاندارد شده	بتا		بتا	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۴۵	۲/۳۴	۵/۱۹	۰/۰۰۱	
انرژی و وقت	۰/۱۰	۰/۴۰	۳/۷۷	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸

بر اساس آزمون رگرسیون چندگانه (روش گام به گام) و مطابق با جدول‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ در تبیین مشارکت والدین از روی متغیر پیش بین موجود در فرضیه ملاحظه می‌شود که ضریب همبستگی

چندگانه برابر با $R=0/28$ ، $R^2=0/08$ و ضریب تبیین خالص برابر $0/07$ به دست آمده است. یعنی از روی تنها متغیر پیش‌بین معنادار موجود در مدل می‌توان تا حدود $8/1$ درصد واریانس مشارکت والدین را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده متغیر پیش‌بین ملاحظه می‌شود که انرژی- وقت با بتای $\beta=0/28$ متغیر نیرومند در پیش‌بینی و تبیین مشارکت والدین است. ارتباط متغیر پیش‌بین با متغیر ملاک نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیون خطی است $F=(14/28)$ با سطح معناداری.

معادله پیش‌بینی مشارکت والدین از روی متغیر ذکر شده به شرح زیر است:

$$y = \{ (انرژی- وقت) + 0/40 + 2/34 \}$$

بحث و نتیجه‌گیری

والدین و خانواده در تربیت فرزندان و دانش‌آموزان نقش بسزایی دارند و نخستین معلمان آنان محسوب می‌شوند. نقش آن‌ها با ورود کودکان به مدارس در آنجا نیز ادامه می‌یابد. خانه و مدرسه آنچنان در هم آمیخته‌اند که به عنوان سیستم عمل می‌کنند. نقص و کمبود در یکی به ناکارآمدی دیگری منجر می‌شود. بنابراین، کارایی و اثربخشی هر دو وابسته به یکدیگر است. هدف والدین از فرستادن فرزندان به مدرسه این است که آن‌ها بتوانند آگاهی یابند و شیوه زندگی کردن را یاد بگیرند. از این رو تحقق این هدف جز با مشارکت و تعاون اولیاء و مربیان ممکن نیست. در گذشته‌های نه چندان دور مدارس به مثابه مؤسساتی به حساب می‌آمدند که نقش والدین در فرایند آموزش و یادگیری دانش‌آموزان ناچیز انگاشته می‌شده است. اما با توجه به تغییراتی که در نگرش و درک والدین درباره مدرسه و نقش مهم آن‌ها در آینده کودکان ایجاد شده نوع و وسعت مشارکت آن‌ها تغییر کرده است؛ به طوری که میزان مشارکت والدین از مشخصه‌های نظام‌های آموزشی مترقی به شمار می‌آید. در این پژوهش هدف پیش‌بینی رابطه نوع انگیزش والدین به عنوان یکی از عوامل مهم مشارکت آن‌ها در آموزش فرزندان بر اساس مدل هور- دمسی و ساندلر است که نتایج آن در ادامه ارائه شده است.

با توجه به یافته‌ی مرتبط با فرضیه اول، می‌توان گفت که خودکارآمدی بعنوان باورهای انگیزشی والدین از توان پیش‌بینی‌کنندگی مشارکت والدین در امور آموزشی فرزندانشان برخوردار است. به عبارتی، هر قدر والدین نسبت به توانایی خویش در انجام وظایف باور کافی داشته باشد تلاش بیشتری از خود جهت کمک به فرزندان در انجام تکالیف درس و مشارکت در امور تحصیلی آنان از خود نشان می‌دهند و در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی خواهند گذاشت.

بندورا خودکارآمدی را باور شخص به موفقیت در یک موقعیت خاص یا انجام یک وظیفه تعریف می‌کند (لوزسینسکا اسکوارزر^۱، ۲۰۰۵). یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج درستکار، صابری و باقری (۱۳۹۸)، زنجانی‌زاده، دانایی و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰)، لینچ (۲۰۰۲) و بندورا و همکاران (۱۹۹۶) همسو است. زیرا نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که خودکارآمدی بر مشارکت به خصوص مشارکت والدین بر پیشرفت تحصیلی تأثیر بسزایی دارد. درستکار و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند که برای بهبود مشارکت اجتماعی باید به مؤلفه کلانتری مانند خودکارآمدی توجه شود.

همچنین، نتایج این بخش با یافته کایا و لاندین (۲۰۱۰) همسو است. لاندین (۲۰۱۰) در تحقیقی دریافت، والدینی که نسبت به موفقیت خود در کمک به امور تحصیلی فرزندانشان در یک یا چند درس خاص خودکارآمدی پایینی دارند، نسبت به مشارکت علاقه کمتری نشان می‌دهند. در مقابل زمانی که والدین خود را برای دخالت در امور تحصیلی فرزندانشان کارآمد احساس کنند، رغبت بیشتری برای مشارکت خواهند داشت.

به باور پازرس و شانگ (۲۰۰۱)، هر قدر انتظار فرد از توانایی فردی خود بیشتر باشد، می‌تواند به نتایج معقول‌تری دست یابد و به طور مؤثرتری بر محیط تأثیر گذارد. بنابراین، کارآمدی والدین توانایی تأثیرگذاری بر امور آموزش را افزایش داده و آن‌ها را جهت مشارکت در مدارس مصمم‌تر می‌کند. کارآمدی عامل مؤثر در کارایی فردی است. فردی علیرغم دارا بودن مهارت و دانش لازم برای انجام کار به دلیل داشتن باور خودکارآمدی ضعیف از عملکرد مناسبی برخوردار نخواهد بود. و بر عکس فردی با خودکارآمدی بالا چنانکه از تخصص و دانش ضعیفی برخوردار باشد، کارایی مؤثری خواهد داشت. زیرا با داشتن خودکارآمدی بالا افراد در برخورد با موانع پشتکار بیشتری از

خود نشان می‌دهند و مؤثر عمل می‌کنند. بنابراین، تفاوت سطح خودکارآمدی افراد می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد که چرا افراد با دانش و مهارت‌های یکسان رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند؟ (زینلی‌پور، زارعی و زندی‌نیا، ۱۳۸۸). با توجه به اهمیت خودکارآمدی در عملکرد افراد، مدیران و مسئولین مدرسه بایستی شرایطی در محیط مدرسه مهیا کنند که افراد بخصوص والدین از سطح خودکارآمدی لازم برخوردار شوند تا بتوانند به طور مؤثر در امور آموزشی فرزندان مشارکت کنند.

نتایج مرتبط با فرضیه دوم نشان داد که درک والدین درباره دعوت‌نامه دانش‌آموز با مشارکت والدین در امور آموزش و مدرسه رابطه دارد. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق واکر و جونز (۲۰۰۰) همسو است. واکر و جونز (۲۰۰۰) نشان دادند والدین در خصوص درخواست‌های فرزندان برای کمک در درس‌هایی که به نظر دانش‌آموزان سخت می‌کردند، مشارکت بیشتری از خود نشان دادند.

در این تحقیق درخواست دانش‌آموز برای مشارکت والدین در آموزش مؤثرترین متغیر محسوب می‌شود. در مقابل می‌توان گفت که دعوت‌نامه‌های مدارس از دیدگاه والدین غالباً به صورت کلی و بیشتر معطوف به مسائل اقتصادی و مالی قلمداد می‌شود. بنابراین، در والدین انگیزه‌ای برای مشارکت ایجاد نمی‌کنند. مشارکت والدین در مدارس باعث پیشرفت تحصیلی و تربیت بهتر دانش‌آموزان می‌شود. یاری رساندن اولیاء به مسئولان مدرسه و یادگرفتن آن‌ها از مربیان و مسئولین مدرسه تأثیر مستقیم بر میزان یادگیری مباحث علمی - فرهنگی و به کارگیری آن‌ها در زندگی اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان دارد. اما زمانی مشارکت والدین در امور آموزش مؤثر خواهد بود که دانش‌آموزان فرصت دخالت مستقیم والدین در امر آموزش را ایجاد کنند که این امر به واسطه خواست و دعوت دانش‌آموزان امکان‌پذیر است.

والدین اغلب به نیازهای آشکار و نهان فرزندان خود پاسخ می‌دهند و یکی از نیازهای آن‌ها درخواست از والدین برای کمک در امور تحصیلی و درسی است. دعوت دانش‌آموزان برای مشارکت والدین بر تصمیم‌گیری والدین تأثیرگذار است. بنحواً اینکه نیاز به مشارکت فعال آن‌ها و پاسخ‌دهی مؤثر به این نیاز را آشکار می‌کند. به عبارتی، دعوت دانش‌آموزان از آن جهت که اشتیاق دانش‌آموزان

نسبت به مشارکت فعال والدین را نشان می‌دهد بر مشارکت والدین در امور آموزشی فرزندان مؤثر است. از این رو با توجه به اهمیت درخواست فرزندان بر مشارکت والدین در امور آموزشی، مدیران و مسئولین مدرسه بایستی در خصوص تأثیرگذاری بر میزان مشارکت والدین به دانش‌آموزان آگاهی دهند تا دانش‌آموزان در فرصت‌های مناسب والدین را برای مشارکت و همکاری دعوت کنند و در مقابل به والدین در خصوص نحوه مشارکت و میزان مشارکت اطلاع‌رسانی کنند تا مشارکت آن‌ها معقول و مؤثر باشد و در فرایند مشارکت برای انجام تکالیف جابه‌جایی نقش و تعارض نقش صورت نگیرد.

در نهایت، یافته مرتبط با فرضیه سوم نشان می‌دهد ادراک والدین در خصوص عامل زمان و انرژی مربوط به زمینه زندگی متغیر پیش‌بین در تبیین مشارکت والدین در امور آموزش است. یافته‌های این بخش از تحقیق با یافته‌های تحقیق ون ورهیس (۲۰۰۳)، بیلی (۲۰۰۶) همسو است. ون ورهیس (۲۰۰۳) در تحقیقی نشان داد ادراک مثبت والدین در خصوص وقت و انرژی، مشارکت آن‌ها را در انجام تکالیف درس علوم فرزندانشان افزایش می‌دهد. همچنین بیلی (۲۰۰۶) نشان داد که تکالیف تعاملی دانش‌آموزان با والدین باعث افزایش قابل ملاحظه‌ی زمان تعامل بین فرزندان و والدین و در نتیجه بهبود معنادار نمره درس خواندن کودکان می‌شود. با توجه به اینکه زمان و انرژی والدین در مشارکت آن‌ها تأثیر دارد. می‌توان گفت والدینی که از وقت بیشتری برخوردارند، فرزندان‌شان پیشرفت تحصیلی و موفقیت بیشتری دارند. زیرا آن‌ها زمان کافی برای مشارکت در امور آموزش دارند. والدین به خاطر اهمیت تحصیل در موفقیت فرزندان‌شان دواطلبانه به آن‌ها کمک می‌کنند و در انجام تکالیفشان مشارکت می‌کنند و از این طریق بر ارتقای دانش و نگرش فرزندان‌شان تأثیر می‌گذارند و به واسطه وجود زمان و انرژی کافی سعی و تلاش بیشتری برای تأثیرگذاری در آینده آن‌ها از خود نشان می‌دهند.

یکی از موانع مشارکت والدین در امور آموزشی فرزندان محدودیت‌های مرتبط با متغیرهای زمان و انرژی است که این محدودیت‌ها به دلیل وجود برنامه‌های کاری سخت است. از این رو مشارکت والدین مستلزم وجود مهارت‌ها و شایستگی‌های اساسی است که بتوان از طریق آن محدودیت‌های

موجود را از بین برد. مدیریت شخصی و مدیریت زمان یکی از مواردی است که بسترهای مشارکت کافی والدین را فراهم کند. زیرا با وجود مدیریت شخصی و مدیریت زمان مناسب تخصیص انرژی و زمان لازم به برنامه‌های مختلف از جمله مشارکت در امور آموزشی فرزندان از سوی والدین به شیوه اثربخش صورت پذیرد. بنابر مطالب یادشده مسئولین مدرسه باید با اجرای برنامه‌های مدون برای ارتقای مهارت‌ها و شایستگی‌هایی فردی در والدین که موجب استفاده و بهره‌وری مؤثر زمان و انرژی می‌شود، مشارکت والدین را ارتقا بخشند.

در تحقیق حاضر مشخص شد عوامل انگیزشی موجبات مشارکت بیشتر والدین در امور مدرسه و آموزش فرزندان را فراهم می‌کند که از بین آن‌ها عامل دعوت (درخواست کمک) دانش‌آموزان از پیش‌بینی‌کنندگی بالایی برخوردار است. بنابراین، مسئولین مدارس علائق دانش‌آموزان و درخواست آن‌ها را مبنای اقدام خویش جهت ارتقای مشارکت والدین در امور آموزش و مدرسه قرار دهند. گفتمانی است دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان امور آموزش و پرورش می‌توانند از نتایج تحقیق برای ارتقای مشارکت والدین استفاده کنند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه است. اولین محدودیت عبارت است از اینکه پژوهش حاضر روی والدین دانش‌آموزان در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴ انجام پذیرفته است. بنابراین، در تعمیم نتایج به گستره زمانی باید احتیاط شود. دومین محدودیت پژوهش تجربه و سواد پایین والدین جهت پاسخ‌دهی به پرسشنامه است که سبب اشتباه یا ایجاد سوگیری در پاسخ‌های آنان می‌شود. همچنین، در این تحقیق والدینی که در مدرسه حضور می‌یافتند بعنوان نمونه‌های تحقیق انتخاب شدند و بین آن‌ها پرسشنامه توزیع شد. در حالی که برخی والدین در بازه زمانی توزیع پرسشنامه در مدرسه حضور نداشتند و به همین دلیل جزء نمونه آماری ما قرار نگرفتند و نظرات آن‌ها می‌توانست در بررسی دقیق موضوع مؤثر باشد. بنابراین، می‌توان آن را به عنوان سومین محدودیت تحقیق حاضر تلقی کرد. علاوه بر موارد فوق می‌توان گفت به دلیل اینکه نمونه آماری مدارس دخترانه بود، مادران دانش‌آموزان اکثر نمونه آماری را تشکیل می‌داد که با مدرسه در تعامل بودند و پدران دانش‌آموزان تعداد اندکی از نمونه آماری را تشکیل می‌دادند. بنابراین، از لحاظ جنسیت نیز در تعمیم نتایج پژوهش باید احتیاط شود.

منابع

- بلاغت، سیدرضا، نقیب‌زاده، میرعبدالحسین، و قانادی، یحیی (۱۳۸۹). مشارکت والدین در مدارس به مثابه یکی از مؤلفه‌های دموکراسی در آموزش و پرورش. *روانشناسی خانواده و پژوهش*، ۹(۴)، ۱۲۶-۱۰۱.
- درستکار، آرنوش، صابری، هائیده، و باقری، نسرين (۱۳۹۸). ارائه مدل ساختاری مشارکت اجتماعی بر مبنای خودکارآمدی، هویت اجتماعی و تاب‌آوری بر اساس نقش میانجیگری امید. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه پزشکی مشهد*، ۶(۲)، ۵۰۲-۴۹۵.
- زنجانی‌زاده، هما، دانایی، مجید، و سلیمی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس خراسان رضوی و عوامل مؤثر بر آن. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۱(۱)، ۷۱-۱۰۱.
- زینلی‌پور، حسین، زارعی، اقبال، و زندی‌نیا، زهره (۱۳۸۸). خودکارآمدی عمومی و تحصیلی دانش‌آموزان و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۹، ۲۸-۱۳.
- سبحانی‌نژاد، مهدی، و یوزباشی، علیرضا (۱۳۹۲). بررسی موانع خانوادگی مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدارس متوسطه شهر اصفهان. *پژوهشی آموزش و یادگیری*، ۱(۳)، ۳۶۱-۳۶۷.
- شیربیگی، عزیز، و امیری، عباس (۱۳۹۴). بررسی موانع مشارکت اولیا در مدارس از دیدگاه مدیران و اولیای دانش‌آموزان استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۵-۱۶. اورمیه: گروه تحقیقات و پژوهش اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.
- عظیمی هاشمی، مژگان، و رضامنش، فاطمه (۱۳۹۳). زمینه‌یابی شیوه‌های تقویت کارکرد انجمن اولیاء و مربیان (مورد مطالعه: انجمن اولیاء و مربیان خراسان رضوی). *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۴(۲)، ۲۳-۱۴.

گوهری، زهره، جمشیدی، لاله، و امین بیدختی، علی اکبر (۱۳۹۴). شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۷(۷)، ۱۳۳-۱۶۲.

مظاهری، حسن، موسی‌پور، نعمت‌الله، و ناطقی، فائزه (۱۳۹۶). نقش خانواده در برنامه درسی شایسته‌محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش. *خانواده و پژوهش*، ۱۴(۳۴)، ۷-۳۳.

هاشمیان‌فر، علی، و اکبرزاده، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی والدین نوجوانان بزهکاری و عادی در امور مدرسه. *مطالعه جامعه‌شناسی جوانان*، ۵(۱۵)، ۱۵۷-۱۸۰.

- Auerbach, S. (2007). From moral supporters to struggling advocates: Reconceptualizing -parentroles in education through the experience of working-class families of color. *Urban Education*, 42, 250-283.
- Bailey, L. B. (2006). Interactive homework: A tool for fostering parent-child interactions and improving learning outcomes for at-risk young children. *Early Childhood Education Journal*, 34, 155-167.
- Bandura, A., Barbaranelli, C., Caprara, G. V., & Pastorelli, C. (1996). Multifaceted impact of self-efficacy beliefs on academic functioning. *Child Development*, 67, 1206-1222.
- Deslandes, R., Barma, S., & Morin, T. L. (2015). Understanding Complex relationships between Teachers and Parents. *International Journal about Parents in Education*, 9(1), 93-105.
- Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. M. (2005). Final performance report for OERI ---Grant.
- Jaspen, D. (2012). *Parents' Motivations for involvement in their children's education*. City University of New York: Graduate School and University Center.
- Jimerson, S., Egeland, B., & Sroufe, L. A. (2000). A prospective longitudinal study of high school dropouts examining multiple predictors across development. *School Psychology*, 38, 525-549.
- Kaya, S., & Lundeen, C. (2010). Capturing parents' individual and institutional interest toward involvement in science education. *Science Teacher Education*, 21, 825-841.
- Lareau, A. (1989). *Home advantage: Social class and parental intervention in elementary education*. London: Falmer.
- Lawson, M. A. (2003). School-family relations in context: Parent and teacher perceptions parent involvement. *Urban Education*, 38, 77-133.
- Luszczynska, A., & Schwarzer, R. (2005). Social cognitive theory. In M. Conner & P. Norman. *Predicting health behaviour* (2nd ed. rev. ed.). Buckingham, England: Open University Press. pp. 127-169.

- Lynch, J. (2002). Parents' self-efficacy beliefs, parents' gender, children's reader perceptions, reading achievement and gender. *Research in Reading*, 25, 54–67.
- National Center for Education Statistics. (2004). Early childhood longitudinal study: Kindergarten class of 1998-1999. User's Manual for the ECLS–K Third Grade Public-Use Data File and Electronic Code Book (NCES 2004-001). Washington, DC: U.S. Department of Education.
- Patall, E. A., Cooper, H., & Robinson, J. C. (2008). Parent involvement in homework: research synthesis. *Review of Educational Research*, 78, 1039–1101.
- Reparaz, Ch., & Sotés-Elizalde, M. A. (2019). Parental involvement in schools in Spain and Germany: Evidence from PISA 2015. *Educational Research*, 93(1), 33-52.
- Sheldon, S. B., & Epstein, J. L. (2002). Improving student behavior and school discipline with family and community involvement. *Education and Urban Society*, 35, 4-26.
- Vahedi, M. (2010). Study of parents' participation in the high schools administration and its effect on school activities. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2, 359-363.
- Van Voorhis, F. L. (2003). Interactive homework in middle school: Effects on family involvement and science achievement. *Educational Research*, 96, 323– 338.
- Walker, J. M. T., Wilkins, A. S., Dallaire, J. R., Sandler, H. M., & Hoover-Dempsey, K. V. (2005). Parental involvement: Model revision through scale development. *The Elementary School Journal*, 106, 85–104.
- Walker, J., & Jones, K. P. (2000). *Can You help me with my homework? Elementary school children's invitations and perspectives on 159parental involvement*. Paper presented at the meeting of
- Westergård, E. (2015). Moving the theory of parental cooperation and innovation into practice. *International Journal about Parents in Education*, 9(1), 93-105.
- Wong, S. W., & Hughes, J. N. (2006). Ethnicity and language contributions to dimensions of parent involvement. *School Psychology Review*, 35, 645–662.